

# عُمْدَةُ السَّالِكِ وَعُدَّةُ النَّاسِكِ

تأليف:

شهاب الدين ابوالعباس أحمد بن النقيب المصري

وفات:

سال ۷۶۹ هجری قمری

ترجمه، تحقیق، تفریح أحادیث و بیان دلائل:

سید مسلم تفت دار

مدرسه امیریہ

جزیره قشم – گیاهدان



## مُقَدِّمَةُ الْمُؤَلِّفِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.  
هَذَا مُخْتَصَرٌ عَلَى مَذْهَبِ الْإِمَامِ الشَّافِعِيِّ رَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِ وَرِضْوَانُهُ، اِفْتَصَرْتُ  
فِيهِ عَلَى الصَّحِيحِ مِنَ الْمَذْهَبِ عِنْدَ الرَّافِعِيِّ وَالتَّوَوِيِّ، أَوْ أَحَدِهِمَا، وَقَدْ أَذْكَرُ فِيهِ  
خِلَافًا فِي بَعْضِ الصُّورِ، وَذَلِكَ إِذَا اخْتَلَفَ تَصْحِيحُهُمَا، مُقَدِّمًا لِتَصْحِيحِ التَّوَوِيِّ،  
فَيَكُونُ مُقَابِلَهُ تَصْحِيحِ الرَّافِعِيِّ.  
وَسَمَّيْتُهُ: «عُمْدَةُ السَّالِكِ وَعُدَّةُ النَّاسِكِ»<sup>۱</sup>.

این مختصری است بر مذهب امام شافعی رحمت خداوند متعال و خشنودی اش بر او باد، در آن بر صحیح از مذهب نزد امام رافعی و امام نووی یا یکی از این دو اکتفا کردم، و گاهی در بعضی از صور، خلاقی را نقل می‌کنم و آن (خلاقی که نقل می‌کنم) هرگاه تصحیح امام نووی و امام رافعی اختلاف داشت تصحیح امام نووی را تقدیم می‌کنم پس مقابل آن، تصحیح امام رافعی می‌باشد.

و آن را «عُمْدَةُ السَّالِكِ وَعُدَّةُ النَّاسِكِ» نامیدم.

وَاللَّهِ أَسْأَلُ أَنْ يَنْفَعَ بِهِ، وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

و از خداوند متعال می‌خواهم که سودمند واقع شود و او برایم کفایت است و بهترین کسی است که امورم را به او واگذار کنم.

<sup>۱</sup> . عُمْدَةُ: تکیه‌گاه، اساس، پایه، شالوده. السَّالِكِ: پیماینده، رونده. عُدَّة: آلات و ابزار.

النَّاسِكِ: عبادتکار.

یعنی این کتاب اساس کار سالک راه حق است یا تکیه‌گاهی برای رونده بسوی الله و خشنودی اش می‌باشد. و همچنین این کتاب عمده در مسائل مذهب است زیرا مصنف رحمه الله خود را ملزم گردانیده که اقوال معتمد را بیان کند.

و آلت و ابزاری برای عبادتکار است و این ابزار، همان شناخت احکام شرعی است که صحت عبادت بر آن متوقف است.

## کتاب الطهارة [أقسام المياه]

المياه أقسام: طهور، و طاهر، و نجس. فالطهور: هو الطاهر في نفسه المَطَهَّرُ لغيره. والظاهر: هو الطاهر في نفسه ولا يُطَهَّرُ غيره. والنجس: غيرهما.

آب‌ها چند قسم‌اند: طهور و طاهر و نجس. پس آب طهور: آن در ذات خود پاک است و پاک کننده‌ی غیر خودش است. و آب طاهر: آن در ذات خود پاک است و غیر خودش را پاک نمی‌کند. و نجس: غیر از آن دو است.

فَلَا يَجُوزُ رَفْعُ حَدَثٍ<sup>٢</sup> وَلَا إِزَالَةُ نَجَسٍ إِلَّا بِالْمَاءِ الْمُطْلَقِ<sup>٣</sup> وَهُوَ الطَّهْوَرُ عَلَىٰ أَيِّ صِفَةٍ كَانَ مِنْ أَصْلِ الْخَلْقَةِ<sup>٤</sup>.

<sup>٢</sup> . حدث دو نوع است: حدث أصغر: بی‌وضوئی و حدث أكبر: چیزهائی که غسل واجب دارند مانند: جنابت و قاعدگی در زنان.

<sup>٣</sup> . آب مطلق یعنی آبی که از قید و شرط آزاد باشد. مثلاً اگر با دلوی آبی را از چاه یا رودخانه‌ای بیرون بیاوریم به این آب، آب مطلق گفته می‌شود اما اگر آبی با سیب یا سیمان و امثال این پاکی‌ها مخلوط شود اگر سیب یا سیمان آنقدر در آب تأثیر گذاشت که دیگر به آن آب گفته نشود بلکه به آن آب سیب یا آب سیمان اطلاق شود می‌گوییم این آب، آب مطلق نیست بلکه مقید است یعنی باید سیب یا سیمان قید آورده شود. اما اگر تأثیر آن ناچیز بود به گونه‌ای که هر کسی به آن نظری بیفکند بگوید این آب است به آن آب مطلق یعنی آب آزاد گفته می‌شود.

<sup>٤</sup> . مثلاً کوه گوگردی باشد که رنگ خاک آن زرد، یا کوهی که خاک آن قرمز باشد اگر چشمه‌ای از آن روان شود یا بارانی ببارد و بوسیله‌ی آن، رنگ آب به زردی یا قرمزی بگراید یا طبیعت زمینی طوری باشد که طعم آن را شور بگرداند یا بوی آن را معطر بگرداند به این آب‌ها مطلق گفته می‌شود زیرا اصل خلقت آن چنین است.

الله عزوجل می‌فرماید: وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ. الأنفال: ١١

و از آسمان آبی را بر شما نازل کرد، تا آنکه بوسیله‌ی آن شما را پاک گرداند.

پس برطرف ساختن حدث و از بین بردن نجاست جایز نمی شود مگر با آب مطلق، و آن آب طهوری است که بر هر صفتی از اصل خلقت باشد.

**وَتُكْرَهُ الطَّهَارَةُ بِالْمَاءِ الْمُشَمَّسِ فِي الْبِلَادِ الْحَارَّةِ فِي الْأَوَانِي الْمُنْطَبِعَةِ، وَهِيَ مَا يُطْرَقُ بِالْمَطَارِقِ، إِلَّا الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ، وَتَزُولُ بِالتَّبْرِيدِ.**<sup>۵</sup>

و طهارت گرفتن با آب گرم شده توسط حرارت خورشید در سرزمین های گرمسیر در ظرف های کوبیده شده مکروه می شود، و آن ظرف هائی است که با چکش ها کوبیده می شود مگر طلا و نقره، و با خنک شدن (کراحت) زائل می شود.

**وَإِذَا تَغَيَّرَ الْمَاءُ تَغْيِيرًا كَثِيرًا بِحَيْثُ يُسَلَبُ عَنْهُ اسْمُ الْمَاءِ بِمُخَالَطَةِ شَيْءٍ طَاهِرٍ يُمَكِّنُ الصَّوْنَ عَنْهُ كَدَقِيقٍ وَرَعْفَرَانٍ<sup>۶</sup>**

**قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ: قَامَ أَعْرَابِيٌّ فَبَالَ فِي الْمَسْجِدِ، فَتَنَاوَلَهُ النَّاسُ، فَقَالَ لَهُمُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: دَعُوهُ وَهَرِيقُوا عَلَى بَوْلِهِ سَجْلًا مِنْ مَاءٍ، أَوْ ذَنْبًا مِنْ مَاءٍ، فَإِنَّمَا بُعِثْتُمْ مُيَسَّرِينَ، وَلَمْ تُبْعَثُوا مُعَسَّرِينَ.** بخاری ۲۲۰

ابوهریره رضی الله عنه گفت: بادیه نشینی بلند شد و در مسجد ادرار کرد. مردم با تندی با او برخورد کردند. رسول الله صلی الله علیه وسلم به آنان فرمود: او را رها کنید و بر محل ادرارش دلولی پر از آب بپاشید. همانا شما مبعوث شدید که آسان بگیرید و مبعوث نشدید که سخت بگیرید.

**عَنْ حَسَّانَ بْنِ أَزْهَرَ أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ قَالَ لَا تَغْتَسِلُوا بِالْمَاءِ الْمُشَمَّسِ فَإِنَّهُ**

**يُورِثُ الْبَرَصَ.** سنن دارقطنی ۸۸، ابن ملقن در البدر المنیر می نویسد: این إسناد جید است و حافظ محب الدین طبری إسناد آن را صحیح دانسته.

با آب مشمس غسل نزنید زیرا که بیماری برص بوجود می آورد.

<sup>۶</sup> . دلیل پاک کننده نبودن آبی که با پاکی ها مخلوط شده:

**اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِي فَرَمَايِد: فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا.** النساء: ۴۳

اگر آب نیافتید پس تیمم نمائید.

پس اگر رفع حدث و ازاله ی نجاست به غیر از آب مطلق با مایعات دیگر جایز بود الله عزوجل در این آیه به تیمم امر نمی نمود. همچنین زمانی که أصحاب رضی الله عنهم در سفر آب تمام می کردند در حالی که همراه آنان روغن، شیر و مایعات دیگر وجود داشت اما با آنها وضو نمی گرفتند بلکه به تیمم روی می آوردند.

(الف) و هرگاه آب با مخلوط شدن با چیزهای پاکی مانند آرد و زعفران که حفظ و نگهداری از آن ممکن می شود تغییر بسیار کند به گونه ای که اسم آب از آن سلب شود،  
**أَوْ اسْتُعْمِلَ دُونَ الْقُلَّتَيْنِ فِي فَرَضِ طَهَارَةِ الْحَدِيثِ وَلَوْ لَصَبِيٍّ أَوْ لِنَجَسٍ وَلَوْ لَمْ يَتَغَيَّرْ  
 لَمْ تَجْزِ الطَّهَارَةُ بِهِ.<sup>۷</sup>**

(ب) یا در کمتر از دو قله در فرض طهارت از حدث (أصغر و أكبر) استعمال کرده شد و اگر چه برای وضوی پسر بچه هم باشد، (ج) یا برای (پاک کردن) نجاست (استعمال کرده شد) و اگر چه تغییر نکند، (در هر سه مسأله) طهارت با آن جایز نشده است.

<sup>۷</sup> . عَنِ الْجَعْدِ، قَالَ: سَمِعْتُ السَّائِبَ بْنَ يَزِيدَ، يَقُولُ: ذَهَبَتْ بِي خَالَتِي إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ ابْنَ أُخْتِي وَجِعٌ «فَمَسَحَ رَأْسِي وَدَعَا لِي بِالْبَرَكَاتِ، ثُمَّ تَوَضَّأَ، فَشَرِبْتُ مِنْ وَضُوئِهِ. بخاری ۱۹۰

سائب بن یزید می گوید: خاله ام مرا به نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم برد و گفت: ای رسول خدا! همانا پسر خواهرم درد دارد. پس رسول الله صلی الله علیه و سلم سرم را مسح نمود و برایم دعای برکت فرمود و سپس وضو گرفت من از آب وضوی ایشان نوشیدم. این حدیث بر پاکی آب وضو - که مستعمل نامیده می شود - دلالت می دهد، زیرا اگر نجس بود رسول الله صلی الله علیه و سلم اجازه نمی داد که نوشیده شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يَغْتَسِلُ أَحَدُكُمْ فِي الْمَاءِ الدَّائِمِ وَهُوَ جُنْبٌ» فَقَالَ: كَيْفَ يَفْعَلُ يَا أَبَا هُرَيْرَةَ، قَالَ: يَتَنَاوَلُهُ تَنَاوُلًا. مسلم ۲۸۳

یکی از شما در حالی که جنب است در آب راکد غسل نزنند. (راوی) گفت: ای اباهریره پس چگونه انجام دهد؟ ابوهریره گفت: آن را بردارد.

این حدیث دلالت می دهد آب غسل جنابت که مستعمل نامیده می شود، پاک کننده نیست. زیرا اگر غسل زدن در آب راکد تأثیری در آب نداشت، از آن نهی به عمل نمی آمد.